

بررسی جامعه‌شناختی علل گستره آسیب‌های اجتماعی در بین حاشیه‌نشین‌های شهر تهران مورد مطالعه منطقه چهار (خاک سفید)^۱

غلامعباس توسلی^۲، سکینه نورمرادی^۳

چکیده

حاشیه‌نشینی و مشکلات آن خصوصاً پس از پایان جنگ جهانی دوم بیش از پیش برای مدیران شهری معضل ساز شد. نکته مهم در باره حاشیه‌نشینی این است که این پدیده در عین حال که نتیجه و حاصل معضلات اجتماعی و خصوصاً اقتصادی است، موجب بروز مسائل و مشکلات دیگری همچون بزهکاری می‌گردد. آسیب‌های اجتماعی در ایران طیف وسیعی از آسیب‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را که شامل اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، خودکشی، طلاق، جرم و جنایت، پرخاشگری و خشونت، کودکان آسیب‌دیده اعم از کودکان خیابانی و دختران فراری، روسپی‌گری، تکدی، جرایم مالی - اقتصادی سرقت و غیره می‌باشند را در برمی‌گیرد. در این تحقیق نیز مساله اصلی محقق بررسی و شناخت علل و عواملی که باعث بوجود آمدن آسیب‌های اجتماعی می‌گردد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی است و محقق برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه و مصاحبه و نیز برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده کرده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۷۴ نفر از سرپرست خانوارهای حاشیه‌نشینان خاک سفید تهران بدست آمده است که محقق آن را با همین تعداد غیر حاشیه‌نشین در منطقه ۴ مقایسه کرده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که انحرافات جنسی، دزدی و نداشتن امنیت از مهمترین آسیب‌های اجتماعی خاک سفید است که ساکنان این منطقه با آن مواجه‌اند. مهمترین پیشنهاد و خواسته پاسخگویان استقرار هر چه بیشتر نیروهای امنیتی و پلیس در خاک سفید و اقدامات عاجل مصلحین و مسئولین جامعه جهت کاهش و کنترل این آسیب از طریق برنامه ریزیهای درمان مدار و مداخلات موثر اجتماعی است.

کلید واژه‌ها: حاشیه‌نشینی، دافعه‌ها، جاذبه‌ها، محرومیت نسبی، خاک سفید

^۱ مقاله حاضر مأخوذ از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی تحت عنوان: بررسی جامعه‌شناختی علل و انواع آسیب‌های اجتماعی حاشیه‌نشینان منطقه ۴ تهران با تأکید بر منطقه خاک سفید تهران.

^۲ استادگروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی تهران.

^۳ کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

مقدمه

انسان ها به حکم طبیعت، اجتماعی یا تصادفی -تاریخی و یا قراردادی-اجتماعی تا آن جا که تاریخ و باستان شناسی اجازه قضاوت می دهد، همواره به طور جمعی و گروهی زندگی کرده اند. در نتیجه روابط اجتماعی، همواره جزئی از زندگی اجتماعی بوده و انسان ها نیز از آن غافل نبوده اند. روند تکامل زندگی انسان ها در طول تاریخ نیز برآیند، همین روابط اجتماعی می باشد که عصر انسان های اولیه و با پیدایش کشاورزی و صنعت تا به امروز این تکامل را نشان می دهد و در دوران نزدیک به ما مخصوصاً پس از جنگ جهانی دوم و علی الخصوص بعد از سال های ۱۹۵۰(م)، عوامل متعدد بهداشتی، فن آوری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، موجب تغییرات ساختاری مهمی در کشورهای جهان سوم گردیده است. این امر خود به بالطبع و به خودی خود، منجر به افزایش شدید جمعیت، تبدیل روستاها به شهرها و مهاجرت روستائیان به شهرها و در نهایت گسترش شهرنشینی و رشد شتابان و بی سابقه شهرها شده است. پدیده افسار گسیخته و نابسامان رشد شهرنشینی در جهان سوم، پیامدهای ناخواسته و منفی بسیاری به بار آورده که مسأله مهم حاشیه نشینی شاید، تهدید کننده ترین مورد آن باشد(صدیق سروستانی، ۱۳۷۳: ۱۱).

از آنجایی که حاشیه نشینی با عوارضی مانند: فقر-سوابق قومی و فرهنگی متفاوت مهاجران در حاشیه و عدم وجود حریم خصوصی در ارتباط است، موجب بروز ویژگی های منفی شخصیتی مانند: پوچی و بی ارزشی حقارت - سرخوردگی و عدم توانایی در بروز احساساتی مانند خشم می گردد و خود می تواند یکی از عوامل اصلی بروز انواع آسیب ها و بزهکاری ها از جمله اعتیاد، تکدی گری، برخورد های فیزیکی و سرقت، غیره شود. پس با توجه به نقش پررنگ حاشیه نشینی در برنامه ریزیهای امنیتی، زیبا سازی و کاهش جرم و جنایات توجه به آن توسط مدیران شهری ضروری به نظر می رسد.

طرح و بیان مسأله

جامعه سالم و ایمن، جامعه ای است که افراد در آن احساس امنیت داشته باشند، از این رو، منظور از امنیت: آرامش، فقدان ترس و عدم نگرانی در خصوص ایجاد خطر از سوی دیگران است. به عبارت دیگر، امنیت به مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد، نیز تعبیر شده است(صدیق سروستانی، ۱۳۷۶: ۱۱۵) به همین ترتیب یکی از عواملی که باعث فرسایش احساس امنیت و آسیب زایی برای جامعه ایمن میشود، وجود جرم و زمینه های شکل گیری آن است. آسیب شناسی اجتماعی، مطالعه بی نظمی ها و آسیب های اجتماعی، همراه با علل و انگیزه های پیدایش آن ها، شامل شیوه های پیشگیری و حل این مسائل و همچنین مطالعه شرایط بیمارگونه اجتماعی می باشد. زیرا خاستگاه اصلی تبهکاری و سایر نابهنجاری ها و انحرافات اجتماعی را باید در کل حیات اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجو کرد. در این راستا، کجروی اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی جامعه، محل فعالیت افراد قرار نمیگیرد و لذا با منع قانونی و قبح اخلاقی و اجتماعی مواجه می گردد(Ebbe). 1989 به طور کلی رفتار نابهنجار، رفتاری است که مطابق با هنجارهای مورد قبول جامعه نبوده و برخلاف آن است. (رفیع پور، 1380: 178) برای این کار متخصصین علوم اجتماعی باید میکروب های اجتماعی را شناسایی کرده و سپس به درمان پردازند. از بیماریهای مهم جامعه ما که دامنه آن تقریباً گسترده می باشد، انحرافات؛ آن هم در میان جوانان کشور می باشد. شرایط کنونی جامعه ما که دوران انقلاب و جنگ را پشت سر گذاشته و پر از تحول می

باشد. در واقع اعمالی که پیش از این ضد ارزش محسوب می‌شد، کم‌کم تبدیل به هنجارهای عادی شده و در میان نسل جدید با ارزش تلقی می‌شود. (عبداللهی، ۱۳۸۱) اما مسأله به این سادگی نیست، علل و عواملی که منجر به این مسأله شده است نیاز به تبیین علمی دارد. از طرفی انحرافات مسأله‌ای است که علل آن هم در سطح خرد و هم در سطح کلان می‌تواند وجود داشته باشد. بنابراین، بررسی علمی می‌تواند مهمترین عوامل را مشخص کند. همچنین میزان انحرافات را نیز بطور دقیق معلوم می‌کند چرا که آمارهای موجود همگی تنها دستگیرشدگانی را محاسبه کرده‌اند که شاید جرایم سنگین تری را مرتکب شده‌اند، اما به این نکته توجه نشده است که پتانسیل ارتکاب جرایم سنگین را باید در میان کسانی جستجو کرد که هنوز دستگیر نشده‌اند، ولی با دست زدن به اعمال انحرافی امکان پیشرفت آنان در زمینه انحرافات فراهم است. در واقع اگر به این امور در سنین جوانی پرداخته شود خطر آن بیشتر خواهد بود، چراکه فرصت بیشتری برای ارتکاب جرایم در آینده وجود خواهد داشت. لذا بررسی انحرافات در میان افراد جامعه ضروری به نظر می‌رسد. پس باید اطلاعات کسب کرد تا بتوان به درمان این بیماری پرداخت، درمانی که موقت نبوده و برنامه ریزی دقیق و حساب شده‌ای برای آن شده است. اگر درمان قطعی این بیماری صورت نگیرد، بیماری پیشرفت کرده و انحطاط و زوال را به ارمغان خواهد آورد. ارزشهای مذهبی و انسانی کمرنگ‌تر شده و تمام ارزشهای مادی و غیرانسانی که صرفاً کسب لذتهای آنی را به همراه دارد، جایگزین خواهد شد و این یعنی، متلاشی شدن خانواده و سپس متلاشی شدن جامعه. (ستاریان، ۱۳۸۱: ۳) در حقیقت، در شرایط کنونی شناسایی علل ارتکاب به جرم علی‌الخصوص در میان حاشیه‌نشین‌ها، تنشها و بحران‌های ناشی از مسائل اجتماعی از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا شیوع روز افزون انواع انحرافات و ناهنجاریها زنگ خطر برای جامعه و نسل بعدی است، و هر کس از زاویه خاصی به آن نگاه کرده است. در این میان اکثر حاشیه‌نشینان شهر که دارای وضعیت اجتماعی و اقتصادی ضعیفی هستند و همین امر احتمال بروز رفتارهای پرخطر اجتماعی را میان آنها افزایش می‌دهد. از جمله این محلات می‌توان از محله خاک سفید در شمال شرقی شهر تهران یاد کرد. در محله خاک سفید به دلایل گوناگون جوانان مستعد روی آوردن به رفتارهای پرخطر اجتماعی هستند. محله خاک سفید هم به آن سبب که جامعه‌ای جوان و در حال گذار است و هم به آن سبب که با تغییرات پرشتاب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مواجه است، با نمونه‌های فراوانی از آسیب‌های اجتماعی رو به رو است. در این تحقیق نیز مسأله اصلی محقق بررسی و شناخت علل و عواملی که باعث بوجود آمدن آسیب‌های اجتماعی می‌گردد و نیز شناسایی انواع جرائمی که در میان این افراد شیوع پیدا کرده است که امید است محقق به آن دست یابد. هدف از انجام پژوهش حاضر نیز رسیدن به سؤالات مذکور است.

مبانی نظری تحقیق

مداخله مفید در مشکلات و انحرافات اجتماعی بدون علم به نحوه پدید آمدن آنها ممکن نیست. اما به راستی مشکلات و انحرافات (آسیب‌های) اجتماعی چه گونه پدید می‌آیند؟ این سؤالی است که پاسخ به آن، معرکه آراء نظریه پردازان علوم اجتماعی و رفتاری بوده است. روانشناسان و دیگر متخصصان علوم رفتاری عمدتاً در زمینه انحرافات اجتماعی نظریاتی طرح کرده‌اند.

Coleman JW and Cressey DR, 1993, Eitzen DS and Baca-Zinn M, 2006, Kornblum and ML, Julian J, 1991, Putwain D and Sammons A, 2002, Scarpitti FR and Anderson

(1992) از سوی دیگر متخصصین علوم اقتصادی نیز ارتباط انحرافات اجتماعی و وضعیت اقتصادی را در نظریه های مختلفی ارائه نموده اند.

نظریه بکر: نخستین و معروف ترین نظریه اقتصادی درباره انحرافات اجتماعی **نظریه بکر** (1968) نقل شده در غالب منابع معتبر در این زمینه (از جمله Thio, 1998) به نام "انتخاب مستدل" است که طبق آن افراد برای گرفتن تصمیم به ارتکاب رفتار انحرافی، مثل جرم، منافع و مضار متصور برای آن و برای رفتار بهنجار عمدتاً کار را با هم مقایسه می کنند. طبق این نظریه مثلاً در شرایط بیکاری و پایین بودن حداقل دستمزدها انتظار می رود جرم نیزافزایش یابد. مشین و مقیر (Machine and Meghir 2004) با مطالعه داده های پلیس انگلیس در فاصله سالهای 1975 تا 1996 نشان داده اند که کاهش حداقل دستمزد به افزایش جرم منجر می شود. کالم (Kallem. 2004) نیز علی رغم کنترل افزایش بیکاری بر اثرافزایش دستمزدها، همچنان این رابطه را در داد ههای آمریکا دیده است. اما از اینها متنوع تر نظریات جامعه شناسان درباره مشکلات و انحرافات اجتماعی است که آنها را غالباً در سه دسته کلی قرار می دهند: **نظریه های کارکردگرا، نظریه های تعارض گرا و نظریه های مبتنی بر تعامل گرایی نمادین** از این نظریه ها درسهایی می توان گرفت که از آنها برای مقابله با مشکلات و انحرافات اجتماعی می توان بهره جست. در ذیل اشاره ای به این درسهای می کنیم:

۱- در همه نظریه های متنوعی که در زمینه پدیدآیی مشکلات و انحرافات اجتماعی طرح شده و می شود، برخی مشترکات وجود دارد. علاوه بر این از هر نظریه نیزمی توان درسی گرفت. گویی گستردگی موضوع مشکلات و انحرافات اجتماعی اقتضا می کند که در بررسی نظری آنها صرفاً یکی از نظریه ها را برگزینیم، اما در هنگام مقابله با مشکلات و انحرافات اجتماعی باز هم به دلیل همان گستردگی ناگزیریم از همه آنها کمک بگیریم.

۲- مشکل اجتماعی نه به صورت منفرد، که به صورت خوشه ای و شبکه ای وجود دارد. مقابله مؤثر با هر مشکل مستلزم توجه به روابط آن با سایر مشکلات است.

۳- مشکل و به ویژه انحراف اجتماعی، هم جنبه های ساختاری (اجتماعی) دارد و هم جنبه های فردی (روانشناختی). مقابله مؤثر با هر مشکل، مستلزم توجه به این هر دو جنبه است.

۴- برای نیل به یک تلفیق سامانمند، می توان با توجه به نظریه های تعارض گرا، کاهش نابرابریها را افق و جهت گیری دراز مدت همه مداخلات میان مدت و کوتاه مدتی قرار داد که با درس آموزی از نظریه های دیگر طراحی و اجرا می شوند. بدون آن افق دراز مدت، ممکن است هر مداخله را با جهت گیری های متفاوت از دیگری طراحی و اجرا کنیم و سرانجام آنها یکدیگر را خنثی کنند. از سوی دیگر، بی اعتنایی به مداخلات میان مدت و کوتاه مدت نیز با این تحلیل که ریشه همه مشکلات در نابرابریهاست و تنها راه کاهش و کنترل آنها محو مطلق نابرابری ها است، ممکن است سبب شود از انجام هر کار مفیدی در مقابله با مشکلات و انحرافات اجتماعی باز بمانیم، بی آنکه به آرزوی دیرپاب خود نیز قدمی نزدیک شویم.

نظریه فشار اجتماعی: مطابق نظریه فشارمرتون افراد طبقات پایین تر بیشتر احتمال دارد که درگیر کجروی شوند زیرا که جامعه آن ها را به داشتن هدف کسب موفقیت های بزرگ ترغیب می نماید اما ابزار رسیدن به آن اهداف را در اختیار آن ها قرار نمی دهد. کوهن این نظریه را بدین صورت بسط می دهد که پیشنهاد می نماید زمانی که

آرزوهای آن‌ها برای کسب منزلت در محیط مربوط به طبقات متوسط از میان می‌رود، جوانان طبقات پایین تشویق می‌شوند که منزلت را با شرکت در خلافاکاری میان خود جستجو نمایند (Cohen, 1966) کلوارد و اوهلین بدین صورت نظریه مرتون را گسترش می‌دهند که بیان می‌دارند، این که آیا جوانان طبقه پایین مستعد خلافاکاری واقعاً کجروی می‌نمایند یا نه؟ این موضوع به این بستگی دارد که آیا آن‌ها به فرصتهای غیر قانونی دسترسی دارند یا خیر. اما درباره اینکه نظریه فشار چقدر مفید است؟ هیچ مدرکی وجود ندارد که طبقه پایین اجتماع در مقایسه با طبقات میانه و بالا با داشتن یک آرزوی کسب موفقیت مشابه بیشتر مستعد خلافاکاری باشد. با این حال، این نظریه نقش ارزشمندی در جایگزین نمودن توضیحات جامعه‌شناختی بجای توضیحات روان‌شناختی برای انحراف و همین‌طور در ارائه یک فرضیه معتبر در مورد شکاف آرزو - موفقیت داشته است (Klein, 1982).

نظریه یادگیری اجتماعی: در این راستا نظریه پیوند افتراقی ساترلند بیان می‌دارد، افراد احتمالاً زمانی منحرف می‌شوند که بیشتر با افرادی ارتباط داشته باشند که عقاید انحرافی دارند تا افرادی که نظریه‌های ضد انحرافی را دارا می‌باشند. گلاسر در بسط این نظریه می‌گوید که عامل تعیین‌کننده برای تبدیل پیوند افتراقی به کارهای غیرقانونی، هویت افتراقی است. درحالی‌که برگس و آکرز تقویت شدن افتراقی را بعنوان عامل تعیین‌کننده در نظر گرفته‌اند. (Thio : 1998:52)

نظریه تضاد: تعدادی از جامعه‌شناسان از جمله فولر و والر با توجه به ماهیت تکثرگرایانه، چندگون و تضادآمیز جامعه مدرن این مبحث را بیان نمودند. در یک جامعه سنتی ساده، مردم در ارزش‌های فرهنگی یکسان سهیم بودند، بنابراین، روابط و مناسبات هماهنگی میان آنان وجود داشت، اما در جوامع مدرن، وفاق ارزشی و هماهنگی اجتماعی این چنینی، وجود ندارد. (Ward, and Charles, 1993)

نظریه کجروی فرهنگی: تأثیرات بی‌سازمانی اجتماعی و فشار را با هم تلفیق می‌کند و سعی دارد تبیین کند که چگونه مردم با زندگی در محلات بی‌سازمان در برابر انزوای اجتماعی و محرومیت اقتصادی واکنش نشان می‌دهند. اعضای طبقات پایین‌تر جامعه به دلیل تحلیل رفتن سبک زندگی، ناکامی و افسردگی، خرده فرهنگ مستقلی را با مجموعه قوانین و ارزش‌های خود ایجاد می‌کنند. در حالی که فرهنگ طبقات متوسط بر تلاش و کوشش زیاد، به تأخیر انداختن ارضای نیازها و آموزش رسمی تأکید دارد، خرده فرهنگ طبقات پایین‌تر بر هیجان‌ات، قلدری، خطر کردن، شجاعت و ارضای فوری نیازها تأکید می‌نماید. متأسفانه اغلب هنجارهای خرده فرهنگی با ارزش‌های متداول جامعه تضاد پیدا می‌کند، به دلیل این که افراد فقیر شهر دریافته‌اند که برآمدن از عهده تقاضاهای رفتاری طبقه متوسط جامعه غیرممکن است. در نتیجه ساکنان محلات فقیرنشین مجبور می‌شوند قانون را زیر پا بگذارند و از قوانین فرهنگ کجرو پیروی کنند. (زیگل، 2001)

نظریه محرومیت نسبی: از دیگر نظریه‌های مطرح در این حوزه که محقق از آن سود برده نظریه محرومیت نسبی، براساس این نظریه انسان‌ها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند واکنش‌های شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی و خودکشی و...) انجام می‌دهند، وقتی این احساس به بالاترین درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات شدیدی را در پی دارد (رفیع پور، 1380)

تئوری امیل دورکیم: دورکیم جامعه شناس معروف فرانسوی که بنیانگذار پارادایم جامعه شناسی واقعیت اجتماعی است، علت همه رفتارهای غیرعادی را در محیط اجتماعی جستجو می کند و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و همچنین ایشان معتقد است که بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد. دورکیم با اظهار نظرات خویش راه را برای بررسی محیط های متفاوت که در آن مجرمین و غیرمجرمین زندگی می کنند هموار کرد و تحقیقات گسترده ای توسط جامعه شناسان و جرم شناسان در خصوص تاثیر محیط بر وقوع جرایم صورت پذیرفت. بر اساس نظریه اجتماعی دورکیم می توان علل بزهکاری و ارتکاب به جرم در افراد حاشیه نشین را چنین بر شمرد: تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی، قرار گرفتن هنجارها در معرض شرایط دائماً در حال تغییر، پیشرفت اقتصادی مبتنی بر روابط فردی آزاد شده از نظم و تضعیف نیروهای اخلاقی جامعه (احمدی، ۱۳۸۴: ۴۶).

پیشینه مطالعات:

اثر سیاستهای اقتصادی بر انحرافات اجتماعی به واسطه عواملی مثل بیکاری، نابرابری و فقر نیز که خود تحت تاثیر این سیاستها قرار دارند، قابل مطالعه است. پرت و لو نکمپ (Pratt and Lowenkamp, 2002) در یک مطالعه سری زمانی، رابطه معکوسی میان شرایط اقتصادی و میزان قتل یافته اند. تحقیقات مرکز جرم شناسی پاریس، تحقیقات متخصصان این مرکز نشان می دهد که ۲۳ درصد جوانان مجرم در مناطقی زندگی کرده اند که دارای جمعیت زیاد بوده و ۲۲ درصد آنها در ساختمانهایی زندگی کرده اند که علاوه بر کثرت جمعیت مشکل مسکن نیز وجود داشته است. دکتر لافون و خانم میشو در سال ۱۹۷۶ تحقیقاتی در شهر گرانویل فرانسه انجام داده و به روشنی مشخص کرده اند که اطفال بزهکار بیشتر در ساختمانهای ناسالم و برخی از محلاتی که برای سلامتی اخلاق زیان آور است بوده اند. این تحقیقات نشان می دهد که بزهکاری جوانان در این محلات و ساختمانهای مخروبه از حد متوسط مجموع بزهکاری شهرها زیاد بوده است. در واقع ۱۸ درصد بزهکارانی که جرایم گوناگون مرتکب شده اند اغلب در محله های مخروب و ناسالم ساکن بوده و ۳۵ درصد آنها کسانی بودند که در ساختمان ها و محلات بدنام و فاسد ساکن بودند. این پژوهشگران نهایتاً رابط محیط سکونت و بزهکاری را تأیید می نمایند.

سیه و پو (Hsieh and Pugh, 1993) با فراتحلیل 34 مطالعه بوم شناختی دریافتند که 97% از 76 همبستگی گزارش شده میان متغیرهای جرم و متغیرهای فقر و نابرابری، مثبت و 80% آنها بیش از 25% بوده است. و سرانجام، در مرور نظامدار گلچین (1385) بر 12 مطالعه که در مجموع حجم نمونه آنها 3424 نفر میشد، وضعیت اقتصادی اجتماعی از جمله متغیرهایی بود که بیشترین تکرار و تأیید را در سبب شناسی رفتار انحرافی نوجوانان داشت احدی و مهرگان (1384) اثر مخارج اجتماعی دولت، نرخ ارز، مالیاتها و درجه آزادی اقتصادی را بر نابرابری نشان داده اند. با این فرض، رابطه انحرافات اجتماعی با عوامل اقتصادی نیز متأثر از سیاستهای اقتصادی. صادقی و همکاران (1384) با استفاده از سری زمانی داده های قتل و سرقت طی سالهای 1376 تا 1380 رابطه میزان بیکاری و نابرابری درآمدی را با این جرمها نشان داده اند. کلانتری و همکارانش (1384) در پیمایشی بر 670 نفر از شهروندان تبریزی دریافتند که فقر، بیش از عوامل دیگر، زمینه را برای قانون گریزی فراهم می کند.

فرضیه های تحقیق:

(۱) بین جنسیت و حاشیه نشینی رابطه وجود دارد.

(۲) به لحاظ وضعیت تحصیلی تفاوت معناداری میان دو گروه (حاشیه نشینان و غیر حاشیه نشینان) وجود دارد.

۳) به لحاظ وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده تفاوت معنی‌داری میان دو گروه (حاشیه‌نشینان و غیر حاشیه‌نشینان) وجود دارد.

۴) بین دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی با حاشیه‌نشینی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۵) بین دافعه‌های اجتماعی محل سکونت قبلی با حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد.

۶) بین جاذبه‌های اقتصادی شهر با حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد.

۷) بین جاذبه‌های اجتماعی شهر با حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد.

۸) دو گروه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین به لحاظ میزان احساس محرومیت نسبی متفاوت‌اند.

روش‌شناسی:

روش‌های مورد استفاده در این پژوهش روش اسنادی و پیمایشی است. مزیت پیمایش در این نوع مطالعات، کارآمد بودن و قدرت آن در توصیف مناسب ویژگی‌های واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آنها به کمک استنباطات علی است. تکنیک مورد نظر جهت جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه و پرسش‌نامه است. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها:

۱- مهاجرت:

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد. این تحرک جغرافیایی تغییر اقامتگاه از مبدا یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود می‌باشد. این گونه مهاجرت‌ها را مهاجرت دائم گویند و باید آن را از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نمی‌باشد، تفکیک کرد (کلانتری، ۱۳۸۳: ۲۱۲).

شاخص سنجش اینکه در این تحقیق مهاجرانی را که بیش از یک سال از محل تولد خود دور بوده‌اند.

۲- حاشیه‌نشینی:

به طور کلی منظور از حاشیه‌نشین، خانواده‌های تهیدست و غالباً مهاجری هستند که به تعبیر اسکارلویس، در نوعی فرهنگ فقر زندگی می‌کنند. آنان بطور کامل جذب شیوه‌ی جدید زندگی شهری نشده و در حاشیه‌ی آن به زندگی ادامه می‌دهند (دراکاکیس، ۱۳۷۷: ۱۲۱). حاشیه‌نشینی به نوعی شیوه زندگی اطلاق می‌شود که نسبت به سه شیوه رایج زندگی یعنی شهری، روستایی و ایلیاتی متفاوت بوده و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود بافت فیزیکی معینی را به وجود آورد (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۰: ۶۴). پارک با اشاره به برخوردهای فرهنگی و نژادی ناشی از مهاجرت، این پدیده را یکی از علل تحقق حاشیه‌نشینی قلمداد می‌کند: به زعم او یکی از عواقب روانی-اجتماعی مهاجرت آن است که فرد مهاجر «گرچه هم‌نژاد مردم جامعه میزبان باشد، در موقعیت جدید، خود را در میان توقعات و ارزشهای دو نظام فرهنگی موجود، پیوسته در تقلا و مبارزه می‌بیند و این شرط مبهم و گیج‌کننده موجب «ثنویت شخصیت» در او می‌شود که خود معرف و وجه تمیز انسان حاشیه‌ای است (پارک، ۱۹۲۸: ۸۱).

۳- دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی:

منظور از این متغیر در این پژوهش در آن دسته از عوامل اقتصادی هستند که با وجود داشتن یا نمایاندن خود در یک منطقه باعث ترک ساکنین آن منطقه می شوند (مشهدی زاده، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

۴- دافعه های اجتماعی محل سکونت قبلی:

در تعریف نظری «متغیر، دافعه های اجتماعی محل سکونت قبلی» می توان گفت: منظور آن دسته از عوامل اجتماعی که با وجود داشتن و نمایاندن خود در یک منطقه باعث ترک ساکنین آن منطقه می شوند (مشهدی زاده، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

۵- جاذبه های اقتصادی شهر:

منظور از متغیر «جاذبه های اقتصادی شهر» آن دسته از متغیرهای اقتصادی شهر می باشند که مهاجرین رانده شده از زادگاه خود را به سوی شهر می کشاند (مشهدی زاده، ۱۳۸۱: ۱۱۳).

۶- جاذبه های اجتماعی شهر:

در این تحقیق متغیر «جاذبه های اجتماعی شهر» عبارت است از آن عوامل اجتماعی که مهاجرین رانده شده از محل سکونت قبلی را به سوی خود می کشاند (مشهدی زاده، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

۷- محرومیت نسبی:

مفهوم محرومیت نسبی را اولین بار، در دهه ۱۹۴۰، نویسندگان کتاب (سرباز آمریکایی) به کار بردند. آنها از این مفهوم برای نشان دادن احساسات فردی استفاده می کنند که فاقد منزلت یا شرایطی که به اعتقاد خویش باید داشته باشد. معیار چنین شخصی مراجعه به داشته های اشخاص یا گروههای دیگر است. (گر، ۱۳۷۷: ۵۴). (هولندر) معتقد است که این محرومیت زمانی اتفاق می افتد که شخص به چیزی میل کند که آن را ندارد، خود را مستحق به دست آوردن بداند و به خاطر عدم توانایی در تملک آن خود را مقصر نداند (هولندر، ۱۳۷۸: ۳۸۳). از نظر تدا رابرت گر محرومیت نسبی زمانی به وجود می آید که فردی چیزی را مشاهده کند که خودش ندارد اما دیگری دارد و آن فرد مایل است که آن چیز را داشته باشد. (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۴۴) و در تعریف مفهومی محرومیت نسبی عبارت است از اختلاف منفی میان انتظارات مشروع و واقعیت (گر، ۱۳۷۷: ۵۴). از نظر گر هرچه امکانات پیشرفت و ارتقا در افراد و گروههای مرجع دیگر بیشتر باشد، انتظارات انسان ها بیشتر می شود و یک نوع احساس بی عدالتی نسبی به وجود می آید. در ضمن هرچه امکان دست یابی انسان هابه ارزش های مورد نظر یا ارتقا اجتماعی کمتر باشد، محرومیت نسبی افزایش پیدا می کند (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۴۴). بنابر این شرایط زندگی در مناطق حاشیه نشین به صورتی است که سبب به وجود آمدن شرایط فرهنگی خاصی را برای آنان می شود، به طوری که از یک سو فقر فرهنگی و مشکلات مالی و از سوی دیگر دیدن زندگی شهر نشینان که از زندگی

امروزی بهره مند هستند، سبب ایجاد نارضایتی عمیق و گسترش محرومیت نسبی در میان حاشیه نشینان می شود. این امر می تواند همچون بشکه ای باروت برای ایجاد آشوب های اجتماعی عمل کند (بر آبادی، ۱۳۸۱: ۴۹).

اعتبار و پایایی: اعتبارمیزان انطباق بین تعریف مفهومی متغیر و تعریف عملیاتی آن است (چلبی، ۱۳۸۰: ۲۳). به عبارت دیگر، اعتبار با این سؤال سروکار دارد که آیا فرد چیزی را که فکر می کند اندازه می گیرد، اندازه گیری می کند یا نه؟ پایایی ابزارهای سنجش در پژوهش های اجتماعی نیز یکی از مهمترین موضوعات روش شناختی است. چراکه بدون آن نمی توان به نتایج مطالعات تجربی اعتماد کافی داشت. پایایی با اعتمادپذیری یک شاخص سروکار دارد. پایایی به خطاهای

گوناگونی که ممکن است در ابزار اندازه گیری وجود داشته باشد اشاره می کند، یعنی خطاهایی که از مشاهده دیگر برای یک واحد تحلیل ودو یا چند اندازه گیری با یک وسیله سنجش به وجود می آید و در نتایج اندک تفاوتی حاصل می شود. این خطا ناشی از ابزار اندازه گیری است (ناچمیاس، ۱۳۸۱: ۲۴۲).

جامعه آماری، حجم و روش نمونه گیری

در این تحقیق حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، تعیین می گردد که با توجه به حجم جامعه آماری و ضرایب فرمول کوکران و قبول ضرایب اطمینان ۹۶ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد و پیش برآورد (p) ۰/۵ به طور تقریب تعداد نمونه می باشد.

$$n = \frac{p \cdot q \cdot t^2 N}{Nd^2 + p \cdot q \cdot t^2}$$

تعداد کل، خانوارهای محله خاک سفید ۱۳۸۷۴ بودند که بر اساس فرمول کوکران، تعداد نمونه، برای انجام این تحقیق ۳۷۴ نفر می باشد. البته از آنجاییکه کار محقق حالت مقایسه ای داشته بر همین اساس به همان اندازه یعنی ۳۷۴ نفر نمونه از میان غیر حاشیه نشینان منطقه ۴ انتخاب شد. و در کل تعداد کل جامعه آماری محقق ۷۴۸ نفر می باشد. واحد نمونه جزئی از جامعه مورد بررسی است که ممکن است که اطلاعات لازم از طریق آن جمع آوری می گردد. در هر تحقیقی یک نمونه وجود دارد که ممکن است فرد، گروه یا سازمان باشد. در این تحقیق سرپرست خانوار حاشیه نشینان واحد نمونه بوده و مورد بررسی قرار می گیرد. محقق، در این تحقیق، با توجه به موقعیت و وضعیت اقتصادی و اجتماعی یکسان ساکنان منطقه خاک سفید، از روش نمونه گیری تصادفی ساده، ولی در جامعه آماری دوم (غیر حاشیه نشینان) از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای (PPS) استفاده کرده است.

یافته های توصیفی تحقیق

ویژگی های جمعیتی جامعه آماری

وضعیت اسکان	جنس	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
حاشیه نشین	زن	۲۱۲	۶۳۲/	۶۳۲/	۶۳۲/
	مرد	۲۵۲	۴۶۷/	۴۶۷/	۱۰۰
	کل	۴۳۷	۱۰۰	۱۰۰	-
غیر حاشیه نشین	زن	۶۷	۱۷/۶	۱۷/۶	۱۷/۶
	مرد	۷۳۰	۸۲/۴	۸۲/۴	۱۰۰
	کل	۴۳۷	۱۰۰	۱۰۰	-

همانطور که در جدول فوق مشاهده میشود، هر دو گروه پاسخگو همه وضعیت فعالیت خود را بیان کرده اند. از کل جامعه آماری محقق در منطقه خاک سفید، ۱۴۷ نفر که برابر با ۳۹,۳ می باشد شاغل بودند. و ۲۲۷ نفر از مجموع که برابر با ۶۰,۷ درصد غیر فعال بودند که در مجموع بیش از ۶۰ درصد از پاسخگویان غیر فعال بودند. اما در گروه دوم، ۲۹۸ نفر برابر با ۷۹/۷ درصد فعال، و تعداد ۷۶ نفر برابر با ۲۰/۴ درصد از پاسخگویان را غیر فعال بودند

مطابق جداول فوق؛ در حاشیه نشینان، مهمترین مسئله بیکاری با فراوانی ۱۷۴ است. و فقر در اولویت دوم با فراوانی ۶۷ که نشان از وضعیت نامطلوب اقتصادی میدهد. انحراف جنسی و عدم امنیت با فراوانیهای ۴۱ و ۴۰ اولویت سوم و چهارم که به عنوان مهمترین آسیب های اجتماعی شناخته شده اند. که نسبت به دیگر آسیب ها شیوع بیشتری در منطقه خاک سفید دارد. اعتیاد و دزدی نیز هر کدام با فراوانی های ۲۵ و ۲۴ در اولویت بعدی قرار دارند. و گزینه بی خانمانی کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. و در قسمت دوم همین سوال که سؤال شده بود لطفا سایر موارد را نام ببرید: بیشتر پاسخگویان و به عنوان مهمترین آسیب معرفی و وضعیت نامطلوب بهداشتی با فراوانی انتخاب نموده بودند. که این آمار حاکی از آن است که منطقه مورد مطالعه، بدلیل حاشیه بودن محل مناسبی برای انواع، جرایم و آسیب ها می باشد. و چه بسا به نقل از برخی از ساکنان در محله بعضی از طریق خرید و فروش مواد مخدر به امرار معاش می پردازند. همچنین یکی از مهمترین خواسته های پاسخگویان در تایید این مطلب، خواهان نیروهای امنیتی و پلیس در منطقه بود. اما در گروه دوم که غیر حاشیه نشینان بودند، اعتیاد با فراوانی (۱۷۷) و دزدی با فراوانی (۹۵) به عنوان دو آسیب مهم در مناطق غیر حاشیه نشین بودند که طبق پرسشنامه پاسخگویان انتخاب نموده اند. و همچنین عدم امنیت با فراوانی (۴۹) به عنوان سومین آسیب در این مناطق شناخته شد. و بی خانمانی و بیکاری کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده اند. همچنین در قسمت سوال باز پرسشنامه مهاجرت روز افرون به تهران و آلودگی هوا از مهمترین مسائلی بودند که پاسخگویان به آن اشاره کرده و خواهان رسیدگی جدی مسئولین به آن بودند. اگر بخواهیم آسیب های اجتماعی این منطقه را با نظریات جامعه شناسان و جرم شناسان مرتبط دهیم، دورکیم جامعه شناس معروف علت همه رفتارهای غیر عادی را در محیط اجتماعی جستجو می کند و در نهایت عقیده دارد که جرم یک پدیده طبیعی و اجتماعی است و همچنین ایشان معتقد است که بین جرم و فرهنگ محل وقوع جرم ارتباط وجود دارد. دورکیم با اظهار نظرات خویش راه را برای بررسی محیط های متفاوت که در آن مجرمین و غیر مجرمین زندگی می کنند هموار کرد و تحقیقات گسترده ای توسط جامعه شناسان و جرم شناسان در خصوص تاثیر محیط بر وقوع جرایم صورت پذیرفت. بر اساس نظریه اجتماعی دورکیم می توان علل بزهکاری و ارتکاب به جرم در افراد حاشیه نشین را چنین بر شمرد: تغییر ناگهانی در استانداردهای زندگی، قرار گرفتن هنجارها در معرض شرایط دائماً در حال تغییر، پیشرفت اقتصادی مبتنی بر روابط فردی آزاد شده از نظم و تضعیف نیروهای اخلاقی جامعه. همچنین تئوری ادوارد ساترلند نیز در ارتباط جرم و محیط اجتماعی در این منطقه منطبق است ادوین ساترلند از جرم شناسان معروف آمریکاست. او عقیده دارد اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم زا قرار گیرد تا غیر جرم زا، شانس و احتمال قانون شکنی اش افزایش می یابد.

یافته های تحلیلی تحقیق

فرضیه اول: بین جنسیت و حاشیه نشینی رابطه وجود دارد.

جدول ۱: آزمون خی دو رابطه جنسیت و حاشیه نشینی

وضعیت فرضیه	Sig(p) معنی داری	مقدار	آزمون خی دو
تایید	۰/۰۰۰	۰/۱۶۹	جنسیت

همانطور که جدول شماره (۳)، نشان می‌دهد در این آزمون از آنجاییکه سطح معناداری ۰/۰۰۰ است، به عبارت دیگر این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین در این تحقیق فرضیه محقق‌تایید و فرضیه صفر رد می‌شود بدین معنا که بین جنسیت و حاشیه‌نشینی رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: به لحاظ وضعیت تحصیلی تفاوت معنی داری میان دو گروه (حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین) وجود دارد.

جدول شماره (۴)، آزمون خی دو متغیرهای حاشیه‌نشینی و تحصیلات

وضعیت فرضیه	Sig(p) معنی داری	مقدار	آزمون خی دو
تایید	۰/۰۰۰	۰/۲۵۷	تحصیلات

همانطور که جدول نشان می‌دهد، از آنجاییکه سطح معناداری صفر درصد است. در این آزمون بین دو متغیر تحصیلات و حاشیه‌نشینی رابطه وجود دارد. بدین معنا که فرضیه محقق‌اثبات و فرضیه صفر رد می‌شود.

فرضیه سوم: به لحاظ وضعیت اقتصادی - اجتماعی تفاوت معنی داری میان دو گروه حاشیه‌نشین و غیر حاشیه‌نشین وجود دارد.

جدول (۶)، آزمون خی دو متغیرهای حاشیه‌نشینی و وضعیت اقتصادی - اجتماعی

وضعیت فرضیه	Sig(p) معنی داری	مقدار	آزمون خی دو
تایید	۰/۰۰۴	۰/۱۲۳	وضعیت اقتصادی و اجتماعی

همانطور که جدول شماره (۶)، نشان می‌دهد در این آزمون رابطه بین وضعیت اقتصادی و اجتماعی و حاشیه‌نشینی تایید شد، همانطور که سطح معناداری ما در این تحقیق ۰/۰۰۴ نشان می‌دهد. به عبارت دیگر در این آزمون فرضیه صفر رد و فرضیه محقق‌تایید می‌شود. بدین معنا که وضعیت اقتصادی و اجتماعی نامناسب افراد مورد مطالعه یکی از عواملی بود که بر حاشیه‌نشینی افراد تاثیر گذار بوده و پدیده حاشیه‌نشینی را توجیه می‌کرد. و نظر اندیشمندان دیدگاه نوسازی مویده فرضیه محقق می‌باشد. افزایش جمعیت شهری و ایجاد شهرهای مسلط با جاذبه‌های شغلی و خدماتی آن هم در شرایطی است که به دلیل برهم ریختن ساختار اقتصاد سنتی، بخش کشاورزی تحت الشعاع صنعت مونتاژ و فعالیت‌های بخش خدمات قرار گرفته و مازاد نیروی کار روستایی را ناگزیر از مهاجرت به شهرها بزرگ می‌نماید فرضیه چهارم: بین دافعه‌های اقتصادی محل سکونت قبلی با حاشیه‌نشینی رابطه معنی داری وجود دارد.

جدول شماره (۸)، آزمون خی دو متغیرهای حاشیه نشینی و دافعه های اقتصادی

وضعیت فرضیه	Sig(p) معنی داری	مقدار	آزمون خی دو
تایید	۰/۰۰۰	۰/۱۷۶	دافعه های اقتصادی

محقق برای آزمون این فرضیه که بین دافعه اقتصادی محل قبلی و حاشیه نشینی افراد رابطه وجود دارد از آزمون خی دو، استفاده کرده است. آزمون این فرضیه، از آنجائیکه سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۰ بود، حاکی از اثبات معناداری رابطه بین دافعه اقتصادی محل قبلی و میزان حاشیه نشینی است. به عبارت دیگر، وجود عوامل و دافعه های اقتصادی در محل های قبل یکی از مهم ترین عوامل موثر بر حاشیه نشینی در بین افراد مورد مطالعه بود. محله خاک سفید در مقایسه با محلات دیگر محله ای «کارگرنشین» است. اکثر اهالی به دلیل عدم امنیت شغلی و غیررسمی بودن آن در "گردونه خردکننده فقر" قراردارند. وجود زمینه های جذاب برای فقرای شهری، کوچکی بسیار زیاد خانه ها و ارزان بودن قیمت اجاره بها چهره فقیر محله را هرچه بیشتر فقیرتر و آسیب پذیرتر می سازد (مهندسین مشاور آمود، ۱۳۷۴، ۲۷). فرضیه پنجم: بین دافعه های اجتماعی محل سکونت قبلی با حاشیه نشینی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۱۰) آزمون خی دو متغیرهای حاشیه نشینی و دافعه های اجتماعی

وضعیت فرضیه	Sig(p) معنی داری	مقدار	آزمون خی دو
تایید	۰/۰۰۰	۰/۱۷۱	دافعه های اجتماعی

همانطور که جدول شماره (۱۰)، نشان می دهد در مقایسه بین حاشیه نشینان و غیر حاشیه نشینان و دافعه های اجتماعی که محقق انجام داده، نتیجه بدین گونه بود: در این آزمون سطح معناداری ۰/۰۰۰ بوده است. از آنجائیکه این مقدار کمتر از آلفا ۰/۰۵ است. فرضیه صفر رد و فرضیه محقق تایید می شود. به عبارت دیگر، در میان جامعه آماری تفاوت معناداری به لحاظ این دو متغیر وجود داشته است. و دافعه های اجتماعی محل قبلی نتوانسته بود به میزان چشمگیری بر حاشیه نشینی افراد مورد مطالعه تاثیر بگذارد.

فرضیه ششم: بین جاذبه های اقتصادی شهر با حاشیه نشینی رابطه معناداری وجود دارد

جدول شماره (۱۲)، آزمون خی دو رابطه متغیرهای جاذبه های اقتصادی و حاشیه نشینی

وضعیت فرضیه	Sig(p) معنی داری	مقدار	آزمون خی دو
تایید	۰/۰۰۰	۰/۱۶۸	جاذبه های اقتصادی

همانطور که جدول بالانشان می دهد در این آزمون بین دو متغیر جاذبه های اقتصادی شهر و حاشیه نشینی رابطه وجود دارد. بدین معنا که فرضیه محقق اثبات و فرضیه صفر رد می شود. به عبارت دیگر وجود جاذبه های مختلف موجود در

مناطق شهری یکی از عوامل بسیار موثر بر حاشیه نشینی در منطقه مورد مطالعه بوده است. بیکاری و فقر مالی و دیگر عوامل دفع کننده محل سکونت قبلی از یکسو و جاذبه های اقتصادی از سوی دیگر، به عنوان محرک بسیار قوی ساکنین این منطقه را از مناطق دور دست به این محله کشانده است.

فرضیه هفتم: بین جاذبه های اجتماعی شهر با حاشیه نشینی رابطه معنی داری وجود دارد

جدول شماره (۱۴)، آزمون خی دو رابطه متغیرهای حاشیه نشینی و جاذبه های اجتماعی

وضعیت فرضیه	Sig(p) معنی داری	مقدار	آزمون خی دو
تایید	۰/۰۰۴	۱۲۲/.	جاذبه های اجتماعی

از آنجاییکه سطح معنا داری در این آزمون ۰/۰۰۴ بوده است و این مقدار کمتر از میزان آلفا ۰/۰۵ است پس فرضیه محقق تایید و فرضیه صفر رد می شود. بدین معنا که بین دو متغیر جاذبه های اجتماعی شهر و حاشیه نشینی رابطه وجود ندارد. به عبارت دیگر، جاذبه های اجتماعی موجود در شهر توانسته است به عنوان یک عامل تبیین کننده پدیده حاشیه نشینی در منطقه خاک سفید باشند..

فرضیه هشتم: درد و گروه حاشیه نشینی و غیر حاشیه نشینی به لحاظ میزان احساس محرومیت نسبی متفاوت اند.

جدول. شماره (۱۶)، آزمون خی دو رابطه دو متغیرهای حاشیه نشینی و احساس محرومیت نسبی

وضعیت فرضیه	Sig(p) معنی داری	مقدار	آزمون خی دو
تایید	۰/۰۰۳	۱۱۹/.	احساس محرومیت نسبی

همانطور که در جدول فوق نشان داده می شود در این آزمون بین دو متغیر محرومیت نسبی و حاشیه نشینی رابطه وجود دارد. چرا که سطح معناداری ۰/۰۰۳ بوده و بالاتر از میزان آلفای مورد نظر است. به عبارت دیگر، می توان گفت محرومیت نسبی افراد حاشیه نشین در منطقه مورد مطالعه در مقایسه با گروه دوم غیر حاشیه نشین احساس محرومیت بیشتری کرده اند. و احساس محرومیت نسبی یکی از عواملی بود که تبیین کننده پدیده حاشیه نشینی در خاک سفید شده بود. یا به عبارت دیگر ساکنین این منطقه بدلیل فقدان امکانات محل زندگی خود از مهاجرت کرده و برای دستیابی به امکانات بیشتر به این منطقه آمده اند. و در واقع موقعیت فعلی آنها با مام کمبود هایشان در مقایسه با محل سکونت قبلی آنها رضایت بخش تر است. از دیدگاه قشر بندی اجتماعی، مدل محرومیت نسبی بیشتر بر ابعاد جرم شناختی نابرابری اقتصادی - اجتماعی تاکید دارد تا بر فقر مطلق، ایده اساسی مورد تاکید در این دیدگاه آن است که افراد موقعیت اقتصادی خود را در مقام مقایسه با دیگران ارزیابی می کنند و زمانی که افراد احساس کنند که دیگران منابع مطلوب بیشتری را در مقایسه با آنها در اختیار دارند، احساس محرومیت و تنفر و عصبانیت در آنها پیدا می شود این احساس محرومیت، بویژه زمانی تشدید می گردد که افراد توزیع نابرابر منابع را ناعادلانه بدانند و خود را ناتوان از بهبود اقتصادی - اجتماعی شان، احساس کنند.

نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی یک معضل کلان شهری می‌باشد که نشان دهند ضعف در ساختار اجتماعی و اقتصادی است برای جلوگیری از تأثیرات سوء این پدیده علاوه بر تلاش در جهت اصلاح این ساختارها باید راهکارهایی جهت جلوگیری از گسترش بی‌درنگ آن نمود. و البته با توجه به اثرات مخرب حاشیه‌نشینی بر شهر، کاهش مشکلات حاشیه‌نشینان خصوصاً در زمینه‌های اشتغال-فرهنگ و بهداشت باید نقش پررنگی در مدیریت کلان شهری داشته باشد. یکی از یافته‌های این تحقیق رابطه بین میزان درآمد و ارتکاب جرم در بین حاشیه‌نشینان بوده است. همان‌گونه که درمبانی نظری اشاره شد، دیدگاه محرومیت بر تأثیر جرم زای فقدان درآمد مکفی برای تأمین نیازهای معیشتی اولیه تأکید دارد. یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشین، مسئله پایین بودن میزان درآمد افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین است. بنابراین از دیدگاه اندیشمندان اجتماعی و اقتصادی، این موضوع دارای اهمیت است. افراد مناطق حاشیه‌نشین که به دلایل مختلفی از داشتن درآمد بالا محروم هستند، به سختی قادرند تا حداقل معیشت را برای خود و خانواده‌شان تأمین کنند. مسائلی همچون بی‌سوادی، ترک تحصیل در مقاطع ابتدایی و متوسطه، فقر مالی، فقر غذایی و سوء تغذیه، بیماری و ناراحتی‌های جسمی، اشتغال نامنظم، بیکاری و کارگری در مزارع و کارگاه‌های سنتی و نظایر اینها، باعث شده است تا افراد مناطق حاشیه‌نشین درآمد بالایی نداشته باشند. این موضوع که با پدیده‌های مهاجرت و بیکاری ارتباط دارد، سبب فقر افراد و رانش آنها از "متن" به "حاشیه" می‌شود.

عامل دیگری که رابطه معنی‌داری با ارتکاب جرایم اجتماعی داشت، بیکاری بود. افراد بی‌کار به دلیل نداشتن درآمد و تحمل فشارهای اقتصادی از یک سو، و فشارهای اجتماعی و روانی مترتب بر این امر از سوی دیگر، افکار نادرستی به ذهن‌شان خطور می‌کند و در نتیجه آنها به رفتارهای بزهکارانه و ارتکاب جرایم اجتماعی واداشته می‌شوند یکی از عوامل مهم در گرایش خانواده‌ها به اسکان در مناطق حاشیه‌ای شهر، پایین بودن نرخ خرید و اجاره بهای مسکن شناخته شد. انحرافات جنسی؛ دزدی و نداشتن امنیت به عنوان مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی منطقه مورد مطالعه بودند و از مهم‌ترین دغدغه‌های ساکنان منطقه به شمار می‌آیند. اکثریت خواهان نیروهای امنیتی و پلیس در منطقه برای ایجاد آسایش بیشتر ساکنان منطقه بودند در جمع بندی کلی باید گفت که یافته‌های این تحقیق، هم‌سو با نظریات فشار و قشر بندی اجتماعی و به ویژه نظریه محرومیت است که مدعی است افراد به دلیل داشتن مشکلات اقتصادی و کمبود درآمد از یک سو و مقایسه خود با دیگرانی که در شهر هستند از سوی دیگر، تمایل زیادی به ارتکاب رفتار مجرمانه پیدا می‌کنند.

پیشنهادات:

- 1- تقویت تعامل بین تشکل‌ها و گروه‌های محلی به منظور هم‌سو کردن فعالیت‌های آنها در راستای پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی
- 2- ایجاد زمینه‌های امنیت در محله، نظیر از بین بردن فضاهای بی‌دفاع و اطمینان بخشی به شهروندان در حفظ امنیت و انتظام محله با جلب مشارکت شهروندان
- 3- حمایت از گسترش نشریات محلی به منظور اطلاع‌رسانی در خصوص آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر نقش شهروندان ساکن محله

- ۴- ایجاد سرمایه‌گذاری در امور تولیدی و صنایع دستی به منظور ایجاد اشتغال برای افراد ساکن در مناطق حاشیه‌نشین - حمایت دولت در بازگشت حاشیه‌نشینان شهرستانی و روستایی به موطن اصلی خویش.
- ۵- نظارت بیشتر شهرداری به امر ساخت و ساز در مناطق حاشیه‌نشین و از جمله خاک سفید تهران
- ۶- برای دسترسی آسان‌تر افراد کم‌درآمد به مسکن مناسب در مناطق دلخواه شهری و کاستن از بار مشکلات فعلی، تعدیل نرخ خرید و اجاره مسکن و سامان‌دهی نظام اجاره‌نشینی ضروری به نظر می‌رسد.
- ۷- ایجاد کتابخانه فعال جهت پرکردن اوقات فراغت جوانان

منابع

- ۱- چلبی، مسعود (۱۳۸۰)؛ **جامعه‌شناسی نظم**، تهران: نشر نی.
 - ۲- حسین زاده دلیر، کریم، (۱۳۷۰) حاشیه‌نشینی در جستجوی معنی و مفهوم، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۶۴-۴۵.
 - ۳- دراکایس اسمیت، دیوید، (۱۳۷۷)، شهر جهان سومی، چاپ اول، ترجمه فیروز جمالی، تهران، نشر توسعه.
 - ۴- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۰)، توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم.
 - ۵- ستاریان، ستاره (1381). انحرافات اجتماعی و عوامل موثر بر آن در میان دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی
 - ۶- صدیق سروسستانی، رحمت‌الله (1383). آسیب‌شناسی اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات آن.
 - ۷- صادقی، حسین؛ شقاقی شهری، وحید؛ اصغرپور، حسین (1384). تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، **تحقیقات اقتصادی**، 68، صص 63
 - ۸- عبداللهی، محمد (1381)، آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، در مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران. تهران: انتشارات انجمن جامعه‌شناسی ایران، جلد اول.
 - ۹- کلانتری، صمد؛ ربانی، رسول؛ صداقت، کامران (1384). ارتباط فقر با قانون‌گریزی و شکل‌گیری آسیب اجتماعی، **رفاه اجتماعی**، 18، صص 90-65
 - ۱۰- کلانتری، صمد، (۱۳۸۲)، کلیات جمعیت‌شناسی ایران، تهران، نشر هوروسلمان
 - ۱۲- مهندسین مشاور آمود (۱۳۷۴) طرح محور فرهنگی و فرهنگسرای گلشن
 - ۱۳- ناچمیاس (۱۳۸۱)؛ **روش تحقیق در علوم اجتماعی، چالش‌ها و دیدگاه‌ها**، ترجمه: رضا فاضلی و فاضل لاریجانی، تهران: سروش.
 - ۱۵- هولندر، ادوین. پل، (۱۳۷۸)، روانشناسی اجتماعی، رهبری و قدرت تاثیر ارتباط جمعی بر افکار عمومی و فعالیت سیاسی، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، نشر شرکت به نشر.
- 1-Hsieh CC and Pugh MD, 1993, Poverty, Income Inequality, and Violent Crime: A Meta-Analysis of Recent Aggregate Data Studies, Criminal Justice Review, 18 (2); 182-202.
- Ebbe, Obi N. 1989 Crime and Delinquency in Metropolitan Lagos: "A study of crime and Delinquency Area theory". Social Forces vol. 67. NO.3

2-Machin and Meghir C, 2004, Crime and Economic Incentives, Journal of Human Resources, 39 (4): 958-979.

3- Kallam AJ, 2004, Youth Crime and the Minimum Wage, Senior Thesis to Harvard University, Department of Economics (in partial fulfillment of the requirements for a degree with honors of Bachelor of Arts).

4-Thio A, 1998, Deviant Behavior, Longman, New York.

5-Pratt TC and Lowenkamp CT, 2002, Conflict Theory, Economic Conditions, and Homicide: A Time- Series Analysis, Homicide Studies, 6 (1): 61-83.
park, Robert E,(1928), Human migration man, American Journall of sociol

